

آتش‌به‌اختیار به چه معناست؟

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه‌ای هفته گذشته در دیدار جمعی از دانشجویان سراسر کشور ضمن توصیه به «تلاش جدی و همه‌جانبه برای غلبه دادن گفتمان انقلاب در دانشگاه» الگوی عمل تشکل‌های دانشجویی را در قالب «آتش‌به‌اختیار» معرفی کرده و فرمودند: «تکوینید در دانشگاه دیگر نمی‌شود کاری کرده؛ شغفتم این را نه بعضی‌ها می‌گویند که «آقا، دیگر در دانشگاه نمی‌شود کاری کرد»؛ نه آقا، در دانشگاه خیلی می‌شود کار کرد، اتفاقاً در دانشگاه باید کار کرد، چه کسی باید در دانشگاه کار بکند؟ شما، شما تشکل‌ها هستید که در دانشگاه باید کار کنید. البتهٔ خطاب بنده در غیر این جلسه به همه است؛ من به همهٔ آن هسته‌های فکری و عملی جهادی، فکری درهنگی در سراسر کشور مرتباً می‌گویم؛ هر کدام کار کنید؛ مستقل به‌قول میدان جنگ، آتش‌به‌اختیار. البتهٔ در جنگ، قرار گاه مرزی وجود دارد که دستور می‌دهد، اما اگر چنانچه رابطه قرار گاه قطع شد یا قرار گاه عبی پیدا کرد، اینجا فرمانده دستور آتش‌به‌اختیار می‌دهد. خب شما افسرهای جنگ نرم‌ید -قرار شد شما افسران جوان جنگ نرم باشید- انجایی که احساس می‌کنید دستگاه مرزی اختلالی دارد و نمی‌تواند درست مدیریت کند، آنجا آتش‌به‌اختیارید؛ یعنی باید خودتان تصمیم بگیرید، فکر کنید، پیدا کنید، حرکت کنید، اقدام کنید. گاهی اوقات انسان احساس می‌کند دستگاه‌های مرکزی فکر و فرهنگ و سیاست و مانند اینها دچار اختلال اند، دچار تعطیلی‌اند، واقعاً آدم گاهی اوقات احساس می‌کند. حالا مثلاً فرض بفرمایید این همه ما مسئله فرهنگی در کشور داریم، مسائل مهم که شاید من بتوانم ۱۰ مسئله اصلی فرهنگی را بشمارم که اینها دچار مشکل است؛ فرض کنید مسئله سینما، یک مسئله مهم است، ا یعنی مسئله فرهنگی مهمی است که سینمای کشور چه جوری اداره می‌شود، از کجا پشتیبانی می‌شود -حالا پشتیبانی خارجی هم پیدا می‌کنند برای فیلم‌ها- اداره هنر کشور و سینما که چیز کوچکی نیست؛ مثلاً فرض کنید ۱۰ مسئله این‌جوری می‌شود پیدا کرد، اناً ناگاهن می‌بینید مثلاًفرض کنید اینکه فلان اهنگ قبل از اقطار پخش بشود یا نشود، می‌شود مسئله اصلی؛ نامه‌نگاری می‌کنند؛ پیدا است که این دستگاه اختلال پیدا کرده که مسئله اصلی را از مسئله فرعی تشخیص نمی‌دهد و یک مسئله اصلاً بی‌اعتبار بی‌اهمیت فرعی را به‌عنوان یک مسئله اصلی، درشت می‌کنند. وقتی این‌جوری دستگاه‌های مرکزی اختلال دارند، آن وقت اینجا جای همان آتش‌به‌اختیاری است که عرض کردم.»

پس از طرح این کلیدواژه از سوی معظم‌له بحث‌های بسیاری در فضای مجازی و رسانه‌ای در خصوص معنا و گستره کاربرد این مفهوم در عرصه سیاست، فرهنگ و… طرح گردید، حتی برخی از عناصر معاند کوشیدند که پیامدهای منفی برای آتش‌به‌اختیار شدن مجموعه‌های جوان «مؤمن انقلابی ترسیم کنند؛ اما باید گفت طرح این مفهوم در راستای گشایش جبهه وسیعی از فعالیت‌های مفید برای انقلاب اسلامی در برابر جوانان مؤمن انقلابی است که در باوردهای آن برای جامعه مشمر ثمر خواهد بود. بنابراین لازم است این مفهوم تاحد زیادی تبیین و ابعداد گوناگون موردبررسی قرار گیرد:

۱-سال‌ها پیش معظم‌له دانشجویان را افسران جوان جبهه مقابله با جنگ نرم دشمن معرفی کردند و در همین امتداد چند سال پیش

بر تقویت جبهه جوانان مؤمن انقلابی تأکید کردند. به‌نظر می‌رسد

با توجه به ضعف ساختارهای رسمی کشور در حوزه‌هایی همچون

فرهنگ و نیز خلاهایی که در عرصه سیاسی در مقاطع خاص به

چشم می‌خورد، نگاه ربهز انقلاب بر حرکت‌های خودجوش انقلابی

مؤمنانه برای عبور از چالش‌ها و رسیدن به موفقیت است. این الگو،

در طول چهره دهه از عمر انقلاب اسلامی بارها مورد آزمون قرار گرفته

و در بیشتر موارد سرپلند از امتحان بیرون آمده است. به‌نظر می‌رسد

«آتش‌به‌اختیار» معرفی کردن مجموعه‌های دانشجویی در امتداد

همین الگوی کنش انقلابی و مؤمنانه برای انقلاب اسلامی است

و طرح این مفهوم فصل جدیدی را در زنجیره اقدامات این جبهه

خواهد گشود.

۲-اینکه چرا ساختارهای رسمی و دستگاه‌های مرکزی که متولی

عرصه‌های فرهنگی و سیاسی کشور هستند، دسترسی‌های وسیعی

به امکانات و بودجه‌های لازم را دارند، از کارآمدی لازم برخوردار

نیستند یا در خلاف جهت‌های لازم حرکت می‌کنند، خود همه

رغصه‌ای است که باید در جای خود موردبررسی قرار گیرد؛ اما

اجمالتاً رنج می‌برد. این سخن از این دستگاه‌ها فرزند نهادسازی

بوروکراتیکی هستند که هیچ سنخیتی با انقلاب اسلامی نداشته

و تنها پس از انقلاب تغییر نام یافته است. برخی از این ساختارها

گرچه فرزند انقلاب بوده‌اند، اما در گذر زمان به‌مرور مبتلا به فرهنگ

«بوروکراتیک – تکنوکراتیک» شده و روحیه کارمندی، جای جهاد

و انقلابی‌گری را گرفته است. مشکل برخی دیگر از ساختارها اما

پنچیده‌تر است. در این ساختارها و دستگاه‌ها سیاست زدگی و

سلیقه‌گرایی می‌سازد در تعیین جهت‌گیری‌های کلان شده و با

وزید نام‌بدهای سیاسی از جهات مختلف، سیاست‌ها و اقدامات تغییر

مسیر می‌دهد. به‌جای آنکه سیاست‌های کلان ملی تعیین‌کننده

راهبرنده و راهکارها باشند، سلیقهٔ فلان مدیر و جریان سیاسی،

تعیین‌کننده است. در جمیع این شرایط نمی‌توان از این ساختارها

انتظار مثبتی داشت. در این میان، محدود نهادهای انقلابی که هنوز

از روحیه مقاومت مؤمنانه و انقلابی برخوردار هستند نیز عمده توان و

انرژی‌شان به دلیل اسطکاک ساختارهای ناکارآمد پیش‌گفته دچار

فرسایش و مشغول‌سازی می‌شود.

۳-اینکه چه کم طرح مفهوم آتش‌به‌اختیار بودن می‌تواند به ظهور

جریان‌ات خودسر بینجامد از اساس غلط است. اولاً جریان‌ات مؤمن

انقلابی که مخاطب این دست‌ورالععمل بوده‌اند، در چارچوب نظام و

انقلاب تعریف‌شده و خطوط قرمز قرمز این چارچوب کلان را به‌خوند

می‌شناسند. ثانیاً این مجموعه‌های انقلابی در عمل ثابت کرده‌اند که

التزام عملی به ولایت‌فقیه دارند و از سوسوی خیلی بیشتر از دیگران

به حفظ و حراست از اصل نظام اعتقاد دارند، بنابراین احتمال خطر

از سوی این گونه جریان‌ات خیلی کمتر از جریان‌اتی است که دچار

لابالی‌گری در میدان سیاست و فرهنگ هستند. اتفاقاً باید گفت

آتش‌به‌اختیار شدن جریان مؤمن برای آن است که از «خودسر

شدن» کسانی که با لفاظی‌افلحیل به سمت‌های رسمی تسلط یافته

وکت «بوروکسیون» بر تن می‌کنند، مهار شوند. برای مهار جریان‌اتی

است که بی‌ت‌المال را رجب شخصیت خود تصور کرده یا ب‌قچه بسته،

تیسه به ریشه منافع ملت می‌زنند.

می‌توان گفت اکنون کشور اسلامی در آستانه دهه پنجم عمر خود

به قطع‌های مهم رسیده است که نیاز به عزمی را‌سوخ برای عبور

از چالش‌های مهم و فتح قلل رفیعی دارد. در این برهه، نمی‌تواند

به خستگان، پیشیمانان، منفعت‌طلبان قدرت‌طلبان، زراندوزان و

زساران امیدی داشت، هر چند که کاملاً ظاهر موجه و عامه‌پسنودی

برای خود ایجاد کرده باشند.

اینجا باید میدان را به جوانان مؤمن انقلابی سپرد و راه را برای آنها

گشود، هر چند که آنان که ورود انقلابیون منافعشان را به خطر

می‌اندازد، احساس خطر کنند. این توصیه امام راحل عظیم‌الشأن را

از یاد نمی‌بریم که «تنها نهایت‌ا تا آخر خط ما ما هستند که در قرق و

محرومی‌های مهم و فتح قلل رفیعی دارد. در این برهه، نمی‌تواند

به خستگان، پیشیمانان، منفعت‌طلبان قدرت‌طلبان، زراندوزان و

زساران امیدی داشت، هر چند که کاملاً ظاهر موجه و عامه‌پسنودی

برای خود ایجاد کرده باشند.

اینجا باید میدان را به جوانان مؤمن انقلابی سپرد و راه را برای آنها

گشود، هر چند که آنان که ورود انقلابیون منافعشان را به خطر

می‌اندازد، احساس خطر کنند. این توصیه امام راحل عظیم‌الشأن را

از یاد نمی‌بریم که «تنها نهایت‌ا تا آخر خط ما ما هستند که در قرق و

۲ جوان

تحلیل محمد اسماعیلی

روزنامه جوان |شماره ۵۱۱۰ |تاسیس ۲۱ خرداد ۱۳۹۶ |۱۶ رمضان ۱۴۳۸ |

وقتی که انفعال مقابل دشمن عقلانیت تفسیر می‌شود

دوگانه‌های مخدوش‌کننده عزت ملی



چند صیاحی است پرسش «کدام دوقطبی مذبوم‌است و آسیب‌های ناشی از آن چیست» در عرصه سیاسی کشور مطرح است. آن هم پس از آنی که خرده گفتمان‌های سیاسی‌سی از چهار سال پیش تا کنون تلاش می‌کند تحت

عنوانی نظیر «تندرو – کندرو – پرجامی –ضدبرجامی» و «دو لستی و ضد دولتی» جامعه را به دو دسته تقسیم و نقاط تناقض

و پارادوکس را تقویت و زمینه‌های خند و کینه را در بین آنها دامنه‌دارتر کند.

در چنین جامعه‌ای، رصد تحرات نظام سلطه و مقابله فعال و بویا با این تحرات اولویت نیست

و به جای آن تمرکز برای به شکست کشاندن دسته‌ای دیگر از جامعه و مقابله‌کینه ورزانه به

خودی در صدر قرار می‌گیرد؛ آن‌هم در شرایطی که نظام سلطه مدها طرح و برنامه سیاسی،

امنیت داخلی- «به چالش کشاندن اقتدار و ایست و ایمنی‌های «جمهوری اسلامی ایران

مورد توجه قرار داده است.

دوگانه‌های «انقلاب –رفاه» هم از جمله طرح‌های این خرده گفتمان‌های سیاسی است

که طی ۲۷ماه اخیر مورد تمرکز قرار گرفته است به‌واسطه آن نخست زمینه «تردید» جامعه

نسبت به «نوامندی و کارآمدی» نظام را بپوچود آورده و سپس احساس همگانی مبنی بر «لزوم

و ریگردانی از حاکمیت سیاسی» را به صورت گسترده شکل دهد.

دوگانه دیگر دوگانه «اعتماد به نفس – انفعال» است که با کنکاشی در سخنان اخیر رهبر معظم

انقلاب اسلامی در جمع دانشجویان تاب‌اندیشی متفاوت مورد توجه‌ایشان قرار گرفته است.

با مرور رویدادها و تحولات چهار سال اخیر می‌توان به آسانی به این مسئله پی‌برد که

دوقطبی‌سازی‌های آن‌ا در این راه‌خواهان و سلاح لیبرالیسم جهت‌دستپایی به استراتژی‌های خود

مورد توجه قرار داده و در حرکت در مسیر توافقی

هسته‌ای قطعه‌ای کوچک از اهداف بزرگ‌تر به نام «تغییر ماهیت انقلاب اسلامی» بوده است.

رهبر معظم انقلاب در جلسه با دانشجویان در همین زمینه می‌فرماید: «اعتماد به نفس و

انفعال؛ این‌هم یک دوگانه دیگر است. کشورهای سطح، اعتماد به نفس داشتند، حرف می‌زدند،

توقع می‌کردند، دنیا را متعلق به خودشان می‌دانستند؛ اناً! این مجموعه زیر سلطه که

التهٔ خیلی هم از لحاظ کمیت بیشتر بودند، اینها دچار انفعال، دچار وادادگی و ضعف نفس

بودند.»

ایشان قاجار و پهلوی را نمونه عینی از انفعال و سستی در مواجهه با نظام سلطه دانسته و

می‌فرماید: «صدور جهان‌بینی و فرهنگ و رسوم و عادات، یکی از اصطلاح‌سوزم و تبعات این نظام سلطه، این است که آن کشورهای که اینکار

دارند، پیشرفت دارند، اعتماد بـه نفس دارند؛ عادات ودشان و رسوم خودشان و جهان‌بینی

خودشان را منتقل می‌کنند به کشورهای زیر سلطه…»

جریان غرب‌باور داخلی دوره پساتحريم را مناسب‌ترین زمان جهت تقوق و چیرگی بر

میثاتی انقلاب اسلامی و مقدمه‌چینی این استحاله آن می‌دانستند و امروز ایدئولوژی آنها

در آستانه زوال است چراکه اصل هدف آنها جهت «تطهير چهره نظام سلطه» و «باور مندسازی

این نکته برای جامعه‌که امریکایی‌ها قابل اعتماد هستند» با رویکرد امریکایی در دوران

پس‌سارجام بی‌نتیجه باقی مانده و ادراک جامعه از رویکردهای امریکایی‌ها تغییر نکرده است و

التهٔ با رویکرد مقامات دولت ترامپ دربارهٔ تروستی تهران تشدید شده است.

بر همین اساس «KATF» و «۲۰۳۰» و به‌ویژه جریان را باید توافقنامه دانست که به واسطه

آن رویکردها خواهان غرب با چالش اساسی روبه‌رو و مبنای فکری آنها – که براساس تئوری

«سلازش با غرب» شکل می‌گرفت- با بحران

بودند که – به عمد یا سهو – به اتخاذ موضعی روی آوردند که نتیجه‌ای جز «تنزل عزت نفس

ملی «و «تحقیر جامعه ایرانی» آورده قابل توجه دیگری به همراه نداشته است.

در شرایطی که امریکایی‌ها راهبردد «تهدید نظامی، تحقیر جامعه ایرانی و تحدید صنعت

می‌کردند یکی از مقامات رسمی دولت یازدهم در نشست تخصصی باخودروسازان بیان می‌کند:

«گذاردید با خود روراست باشیم، ما به جز بخت آنگوشت بزباش و قورموسیزی در هیچ تکنولوژی

صنعتی برتری نداریم.»

یا یکی دیگر از چهره‌های ارشد دولت در حوزه سیاست خارجه «تحقیر سیاست خارجه

جمهوری اسلامی «امرورد توجه قرار داده و در اظهاراتی قابل تأمل در همان هنگامه بیان

می‌کند: «... این وظیفه ما نیست که اسرائیل را به رسمیت بشناسیم با نه، بلکه فلسطینیان باید

درباره این موضوع تصمیم‌گیری کنند…»

وی همچنین در جای دیگری عنوان می‌کند: «ایران هرگز هولولو کاست را انکار نکرده است.

مردی که هولولو کاست را انکار می‌کرده است.

سال نو مبارک!»

اندیشه و خردورزی روبه‌رو شده است، چرا که اکثریت جامعه بر اساس محک تجربه(برجام)

دریافته که تعدیل موضع در مقابل غرب فاقد دستاورد و حاوی هزینه‌های گسترده خواهد

بود.

علت عصبانیت جریان غرب‌باور داخلی از نقض برجام طی ماه‌های گذشته نیز ناظر به همین

مسئله است که نقض برجام و ظفره رفتن از اجرای تعهدات توسط امریکایی‌ها نخست

ایدئولوژی این جماعت داخلی را به چالش کشانده و پس از آن تهدید منافع عمومی

مورد توجه این طیف قرار گرفته است. ازسوی دیگر توسعه قدرت این جریان در حاکمیت

در انتخابات‌های پیش رو با مشکلات جدی روبه‌رو شده است چرا که جامعه قفدان اعتماد

به نفس دولترمان در مواجهه با غرب را حاوی دستاوردهای مشخص ندانسته و هزینه‌های

چنین روشی را بسیار بیشتر از فایده‌های آن ارزیابی می‌کنند.

نمود عزت‌نفس ملی در اتخاذ رویکردهای سیاست خارجی در چهار رسال گذشته و در مواجهه با

نظام سلطه منجر به آن شد که معظم له بارها نسبت به پیامدهای منفی این هشدارهای جدی

را به دولترمان بدهند و از آنها درخواست نمایند سیاست‌های خود را اصلاح نمایند.

ایشان در بحبوحه مذاکرات هسته‌ای و در سال ۹۳ می‌فرمایند: «عزت ملی بایستی محفوظ بماند.

عزت ملی برای یک کشور، بسیار بسیار مهم است. اگر عزت بود، امنیت هم خواهد آمد؛ اگر امنیت بود، پیشرفت هم عملی خواهد بود؛ و الا اگر یک ملت

تحقیر شد، همه چیز او به بازی گرفته خواهد شد؛ حتی امنیت او، حتی ثروت او، و همه چیز او.»

هشدارهای اخیر رهبری در جمع دانشجویان در حالی است که در تمام چهار سال گذشته نظام

سلطه تلاش کرده در قالب رفتار، گفتار راهبردد «تحقیر ملی ایرانیان» را عملیاتی کند، آن‌هم در

شرایطی که در داخل کشور نیز شخصیت‌هایی

گریه‌های خیر

آیت‌الله حجتی: مسؤلان مانندامام

ساده‌زیست و ضد اشرافی‌گری باشند



حضرت امام ساده‌زیست بود و مسؤلان نیز باید ساده زیست باشند،

امام ضد اشراف و ضد تجملات بود

و مسؤلان نیز باید اهل تجملات

نیاشند و خودشان اشرافی‌نیاشند.

آیت‌الله حجتی، دبیر شورای نگهبان قانون اساسی در نشست فرماندهان، رؤسا و

مدیران ناچا افزود: وظیفه همه مردم مسؤلان است که راه امام را ادامه دهند که الحمدلله مردم خوب عمل می‌کنند و مسؤلان نیز

باید درک کنند.

وی در ادامه به بحث امنیت اشاره کرد و افزود: امنیت، مسئله بسیار مهمی است و مردم قدردان نیروی انتظامی هستند که امنیت را برقرار

می‌کنند و این از برکات جمهوری اسلامی است. وی گفت: در بحث تأمین امنیت نیروی انتظامی با ناامن‌کنندگان بر خورد می‌کند که

عملکرد خوبی دارد و مردم قدردان این زحمات و خدمات هستند و این از برکات نظام جمهوری اسلامی است. آیت‌الله حجتی در ادامه به بحث همکاری نیروی انتظامی با شورای نگهبان در انتخابات‌های اخیر اشاره

کرد و افزود: نیروی انتظامی همکاری خوبی با ما دارد و هر اطلاعاتی که ما می‌خواهیم به ما ارائه می‌دهد. وی گفت: در بحث انتخابات مجلس شورای اسلامی، ۱۲ هزار نفر ثبت نام کرده بودند که جای سؤال دارد

چرا این همه ثبت‌نام می‌کنند، هر چند که اکثریت آنها به دلیل عدم احراز صلاحیت تأیید نمی‌شوند یعنی مشخص نیست که چگونه است

و شناسایی نمی‌شوند. آیت‌الله حجتی در ادامه به انتخابات ریاست جمهوری اخیر اشاره کرد و افزود: نیروی انتظامی نیز همکاری خوبی با ما داشت. به‌ویژه که از برخی جهات انتخابات سنگینی

داشتم و با گذشته فرق داشت. وی گفت: در واقع این دوره از انتخابات بی سابقه و کم سابقه بود که ابتدا از مردم تشکر می‌کنم که با صداقت

شرکت کردند و بیش از ۱۶ میلیون رأی به صندوق‌ها ریخته شد. آیت‌الله حجتی گفت: این تعداد رأی و حضور در پای صندوق‌های رأی خیلی

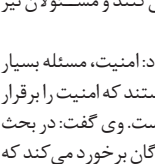
معنی دارد و نشان از اعتماد مردم به نظام است و جواب دندان‌شکن به دشمن است، به‌ویژه که دشمن سرمایه‌گذاری می‌کند تا مردم از نظام

جدا کند و مشروعیت نظام را زیر سؤال ببرد. وی گفت: این انتخابات تودهنی به دشمن بود که مردم صف می‌کشیدند و ساعت‌ها در صف

می‌ایستادند تا رأی دهند و این خیلی همت می‌خواهد.

توقف سئند فایده ندارد، باید آن را باطل کرد

آیت‌الله فاضل‌لنکرانی: سند ۲۰۳۰ قلم کفر است



برخی مسؤلان بیان می‌کنند که «سند ۲۰۳۰» توسط کفره‌ایم،» توقف این

سند فایده ندارد باید آن را باطل کرد.

به گزارش تسنیم، آیت‌الله محمدجواد فاضل‌لنکرانی، رئیس مرکز فقهی ائمه

عظما(ع) روز گذشته در جمع بیش از ۳۰۰ نفر از اساتید و علمای حوزه علمیه قم به

سند ۲۰۳۰ استناد کرد و افزود: سند ۲۰۳۰ استناد فقهی نیست و برخلاف سند ۲۰۳۰ وجود داشته که بااسلام سازگار

نیست و برخی دیگر بیان می‌کنند که مفادی خلاف اسلام در سند وجود

ندارد. بنابراین باید نظریه اراقبول کرد که متبغ باشد و آن نظر معظم رهبری و ولی‌فقیه است. آیت‌الله فاضل‌لنکرانی ادامه داد: برخی مسؤلان

بیان می‌کنند که «سند ۲۰۳۰» متوقف کرده‌ایم،» توقف این سند فایده

ندارد باید آن را باطل کرد. باید در مقابل سند ۲۰۳۰، سندی جامع و

بی‌ارامه نوشت، محبت مقام معظم رهبری را می‌باید که چرا با اعتقادی

که به جامعیت دینی داریم غرب برای ما نسخه بنوسد، بنابراین باید

سندی جامع و اسلامی نوشت تا به‌جای ۲۰۳۰ استفاده شود. رئیس مرکز

فقهی ائمه‌عظما(ع) یا(با)را اینکه سازمان‌های بین‌المللی از حقوق کودکان بی‌اطلاع هستند، خاطر نظریه اراقبول کرد که متبغ باشد و آن نظر

رهبری و ولی‌فقیه است. آیت‌الله فاضل‌لنکرانی ادامه داد: برخی مسؤلان بیان می‌کنند که «سند ۲۰۳۰» متوقف کرده‌ایم،» توقف این سند فایده

ندارد باید آن را باطل کرد. باید در مقابل سند ۲۰۳۰، سندی جامع و

بی‌ارامه نوشت، محبت مقام معظم رهبری را می‌باید که چرا با اعتقادی

که به جامعیت دینی داریم غرب برای ما نسخه بنوسد، بنابراین باید

<